



چگونگی رفتن با کودکان در بدو ورود به دبستان

آموزش و تربیت فرزندان در دوره‌ی ابتدایی، از حساسیت خاصی برخوردار است زیرا با ورود کودک به مدرسه، دوره‌ی جدیدی از تربیت آغاز می‌گردد که رشد و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها و نیز اجتماعی شدن و آشنایی با هنجارها و ارزش‌های جامعه را به همراه دارد. از این رو باید توانایی مادران و پدران در امر تعلیم و تربیت فرزندان‌شان افزایش یابد که تحقق این خواسته، جز با گسترش آموزش والدین امکان‌پذیر نیست.

به طور معمول از حدود ۶ تا ۱۱ سالگی که دوره‌ی سوم کودکی نامیده می‌شود، تغییرات شگرف و رشد سریع از نظر جسمانی و توانایی‌های ذهنی و روانی همراه با قابلیت‌های اجتماعی در کودکان به وجود می‌آید.

هم‌چنین کسب دانش در زمینه‌ی رشد، ما را قادر می‌سازد تا معیارها و تلاش‌هایی برای سنجش ابعاد مختلف رشد، تدارک ببینیم و به کمک آن‌ها بتوانیم ویژگی‌های یک کودک به هنجار را تعریف کنیم.

رشد رفتار و شخصیت کودک، معلول عوامل مختلفی است؛ عوامل ژنتیکی، زیستی، روانی و اجتماعی که به طور معمول تحت عنوان عوامل ارثی و محیطی مورد بحث قرار می‌گیرد. تأثیر متقابل این دو عامل، به حدی است که تعیین سهم هر یک در ایجاد رفتاری خاص، کار دشواری می‌باشد.

طبقه‌بندی ابعاد رشد کودکان در دوره‌ی ابتدایی (الف) رشد جسمانی

در این دوره سرعت رشد جسمانی کودک، کاهش می‌یابد. تا حدود ۱۰ سالگی به طور معمول پسران کمی بلندتر از دختران هستند و از آن به بعد تا ۱۵ سالگی، دختران کمی بلندتر از پسران می‌شوند. میزان رشد قد دختران از ۹ سالگی و پسران از ۱۲ سالگی، افزایش می‌یابد. کودکان در این دوره دارای انرژی بیشتری برای کشف، ارتباط با دیگران و کسب مهارت و دانش هستند. بافت عضلانی آنان، قدرت بیشتری یافته و نیرومندتر می‌شوند. بدیهی است که رشد جسمانی همه‌ی کودکان، یکنواخت نیست و در میان آنان تفاوت‌های فردی وجود دارد، یعنی برخی لاغر و بلند قامت و برخی چاق و کوتاه‌قد هستند. در این دوره، کودک از هماهنگی حرکتی پیش‌تری برخوردار می‌شود.

(ب) رشد ذهنی

کودک در این دوره از طریق تجربه‌های ذهنی و حواس خود، برای درک و شناخت هر چه بهتر، به جست‌وجو پرداخته و یافته‌های خویش را برای ارزیابی، استدلال و تفکر، در حافظه ذخیره می‌کند. با افزایش وسعت تفکر که به طور عمده با سعی و تلاش کودک انجام می‌گیرد، کودک به عمق کاری که انجام می‌دهد، می‌نگرد و آن را طبقه‌بندی و تفکیک نموده و به جای توجه به ظاهر اشیاء، از اشارات به‌خوبی استفاده می‌نماید، در نتیجه شناخت کودک از چهره‌ی دنیا، مردم درون آن و روابط بین آنان، بیش‌تر و باثبات‌تر می‌گردد.

حافظه‌ی کودک، به‌ویژه در حدود ۹ سالگی، بسیار قوی‌ست و تمرین و تکرار مطالب، بهترین و مفیدترین راه به‌خاطر سپردن آن‌ها می‌باشد. در سال‌های اول دبستان، کودک به سازمان‌دهی، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب برای فراگیری ادامه می‌دهد و به این طریق، حافظه‌ی خود را تقویت می‌کند.

انگیزه نیز عامل بسیار مهمی در به‌خاطر سپردن مطالب است. کودک آن‌چه که برایش مهم است را بیش‌تر به‌خاطر می‌سپارد. علاوه بر آن، محیط آرام و بدون استرس نیز برای حفظ کردن و به یاد آوردن مطالب، حائز اهمیت است.

تفکر و زبان کودک دبستانی، رشد قابل ملاحظه‌ای می‌یابد و تبدیل به ابزاری قدرتمند برای حل مسائل می‌گردد. تفاوت این دوره با دوره‌ی قبل، در حقیقت فاصله‌ای است که بین تصورات و تخیلات با واقعیت‌ها وجود دارد.

(ج) رشد اجتماعی

رسیدن به سن دبستان برای کودک، به‌منزله‌ی ورود به یک دنیای جدید و گسترده و دستیابی به یک شبکه‌ی ارتباطات اجتماعی است. رشد کودک از جهات مختلف جسمانی، ذهنی و روانی، با عوامل گوناگونی مانند خانه، مدرسه، همسایگان، گروه همسالان و اجتماع، تعامل و ارتباط دارد که این امر به پیشرفت و تکامل او می‌انجامد.

موفقیت در این دوره، مستلزم آگاهی کودک از شوق و شعفی است که از انجام یک کار مفید و صحیح در او پدید می‌آید. او از این‌که می‌تواند کار خاصی مانند تکالیف درسی، ورزش، خواندن، نوشتن و هنر را با سعی و تلاش و جدیت انجام دهد، احساس ارزشمندی و خودکفایی می‌کند؛ چنان‌چه این احساس سعی و کوشش، در این دوره نتواند به حد کافی رشد کند، برای کودک، بسیار زیان‌آور است و احساس حقارت در او پدید می‌آید. به‌واسطه‌ی رشد توانایی‌های ذهنی، کودک طبیعتاً درگیری بیش‌تری با محیط خود پیدا می‌کند و برخی از انگیزه‌هایش، تقویت و برخی دیگر، ضعیف می‌شود. چنان‌چه انتظارات محیط از او شدید، ناگهانی و مبهم باشد و یا کودک از لحاظ روانی، جسمانی، اجتماعی و ذهنی، آمادگی کافی برای تحمل فشارهای محیط را نداشته باشد، بی‌شک عوارض روانی و تضادهای غیرقابل‌جبرانی در او پدید می‌آید.

در این دوره، کودک با مسائل گوناگونی از جمله رشد مهارت‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون، یادگیری روش‌های مقابله و داد و ستد اجتماعی با همسالان، همانندسازی و ارتباط با بزرگسالانی غیر از پدر و مادر در مدرسه، افزایش خودمختاری و استقلال رشد وجدان و معیارهای

اخلاقی، مواجه می‌گردد و آن‌ها را تجربه می‌کند. در این مسیر، محیط‌های زندگی کودک و عوامل دیگری در رشد اجتماعی او، نقش اساسی و کلیدی دارند که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

● **سازگاری با مدرسه:** نقش مدرسه در اجتماعی کردن کودک، انکارناپذیر است. مدرسه نه تنها پاسخ‌های اجتماعی و ذهنی کودک را که قبلاً در خانواده توسط پدر و مادر آموخته شده، تقویت می‌کند، بلکه مهارت‌ها و پاسخ‌های جدید زیادی را نیز به او می‌آموزد و در واقع عملکرد پدر و مادر را در این زمینه‌ها تکمیل می‌کند.

● **نقش معلم و مربی:** معلم، تأثیرگذارترین عامل در سازگاری و پیشرفت کودک در مدرسه است. رابطه‌ی معلم و شاگرد، عامل اصلی ایجاد انگیزه و اشتیاق در کودک برای مدرسه رفتن، یادگیری درس‌ها، کیفیت اجتماعی شدن و نگرش مثبت او نسبت به معلمان و کارکنان مدرسه می‌باشد. معلمانی که ضمن رعایت انضباط و اصول منطقی در کلاس، به گونه‌ای محبت‌آمیز و مهربان با شاگردان رفتار می‌کنند، قدرت ابتکار و خلاقیت آنان را تقویت می‌نمایند.

● **نقش همسالان:** همسالان نیز مانند معلمان، نقش بسیار مؤثری در رشد اجتماعی کودک دارند. گروه همسالان، به کودک می‌آموزد که چگونه با کودکان هم‌سن خود، رفتار و با آنان ارتباط برقرار کند، پرخاش‌گری و احساس برتری خویش را چگونه بروز دهد و با مشکلات، به چه شکلی برخورد کند تا از آرامش و اطمینان لازم در گروه برخوردار گردد. این فرآیند، به رشد خویش‌پنداری کودک کمک می‌کند تا تصویر روشنی از توانایی‌ها، مهارت‌ها و نقاط ضعف خود به دست آورد.

د) رشد عاطفی

عوامل مؤثر در رشد عاطفی - روانی کودک، متعدد و گوناگون هستند که در زیر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- روابط پدر و مادر با کودک:

این رابطه، یکی از عوامل مهم و مؤثر در شکل‌گیری شخصیت و رشد عاطفی کودک می‌باشد. در این روابط، ابعاد مختلفی مورد توجه است که عبارتند از:

الف) بعد محبت - خصومت: «محبت»

به معنای ایجاد محدودیت‌های زیاد حمایتی از کودک و نفوذ بر او، دادن پاسخ مثبت به وابستگی‌ها و رفتار اتکایی، تشویق زیاد و استفاده نکردن از تنبیه است. «خصومت» یا عدم پذیرش کودک، دارای ویژگی‌های عکس این حالت‌هاست.

ب) بعد نظارت - خودمختاری: نظارت به معنای ایجاد محدودیت‌های

زیاد در رفتار و گفتار کودک، توجه به نظافت او، دقت و مراقبت از منزل و وسایل آن، ساکت بودن، مطیع بودن و عدم پرخاش‌گری و خشونت نسبت به پدر و مادر می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد خصومت پدر و مادر، بر حالات عاطفی و رفتاری کودک، پرخاش‌گری و سرکشی او تأثیر می‌گذارد و نظارت شدید و محدود نمودن کودک نیز موجب پدید آمدن رفتارهای گوشه‌گیرانه و احساس حقارت در او می‌شود.

۲- **روابط خواهر و برادر با کودک:** کودک با وجود داشتن درگیری‌ها و اختلاف‌نظرهای احتمالی با خواهر و برادر، بسیاری از خصوصیات آنان مانند صداقت، صمیمیت، نوع‌دوستی، کمک و همیاری، رقابت و حتی حسادت را می‌آموزد.

و) رشد اخلاقی

رشد اخلاقی کودک در این دوره، در نتیجه‌ی سازگاری با مقررات و حساسیت اجتماعی به دست می‌آید. کودک مقررات و قوانین خانه، مدرسه و شبکه‌ی اجتماعی را به تدریج فرامی‌گیرد و توسط ارتباط و بازی با همسالان، آن را توسعه می‌دهد. دلیل و منطق، تنبیه، تشویق و الگوسازی، در پیروی از مقررات، مؤثر است. کودکان تفاوت بین قواعد اخلاقی و قراردادهای اجتماعی را تشخیص می‌دهند و با تمرین مهارت‌های ارتباطی به‌ویژه کلامی و ایفای نقش، می‌توانند حساسیت اجتماعی خود را افزایش دهند.

منابع:

- «روان‌شناسی رشد کودکان و نوجوانان» «مولی اسمارت»

- «روان‌شناسی کودک» «سیروس عظیمی»

تهیه و تنظیم: فریده سوداگری

